

تبیین متن گونگی و روابط میان متنی در معماری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۴

امیرمسعود دباغ*، داراب دیبا**، محمد ضمیران***

چکیده

متن و متن گونگی، در تمام زمینه‌هایی که مخاطب با خوانش پدیده‌ها مرتبط بوده، جاریست. مخاطب در خوانش پدیدارهای اجتماعی (مانند معماری)؛ با محصولی چندوجهی و چندمتنی و فاقد معنای غایی مواجه می‌شود که آن محصول در بردارنده مجموعه‌ای از معانی و قرائت‌هاست. در این مقاله، متن و متن گونگی در معماری تبیین شده و خوانش متن از منظر ساختارگرایانه و پساساختارگرایی تشریح داده شده و مورد قیاس قرار گرفته‌اند و در نهایت با توجه به ماهیت چندآوایی متن و روابط چندمتنی، به مصادیق هریک در حوزه معماری اشاره شده و خصوصیات متنیت در معماری مورد بررسی قرار گرفته‌است. معماری از لایه‌های متعددی از معنا تشکیل شده و مخاطب با توجه به جایگاه اجتماعی و سطح شناخت خود، به معناسازی برای متن هر طرح معماری می‌پردازد. معانی در لایه‌های طرح شناورند و به صورت استعاری، کنایی، بازتابی، دگرگون، ناکرانمند و با توجه به زاویه دید مخاطب از لایه‌ای به لایه دیگر می‌پزند و گستردگی معنای طرح را ممکن می‌سازند.

*استادیار معماری و شهرسازی سوره، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

dabagh@soore.ac.ir

**استاد دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، ایران، تهران
***دانشیار، دکترای فلسفه هنر، دانشگاه ام آی تی، امریکا، ماساچوست

مقدمه:

ساخت آفرین است. پس می‌تواند یک متن را در چارچوب ساختار خود دگرگون نماید.

- ثالثاً: کارکرد هر ساختار وابسته به روابط صوری و درون ساختاری است و جز به ساختار تعریف شده خود به چارچوب دیگری رجوع نمی‌کند.^۱

- رابعاً: ساختار پدیده‌ای انسانمحور و وابسته به ذهن انسان و جهانشمول می‌باشد. (Internationalism)

در خوانش ساختارگرا از متن، باید در یک لحظه هم ساختار و قواعد متن را بشناسیم و هم نشانه‌ها را دریابیم و در واقع دلالت و معنا را همزمان برداشت می‌کنیم.^۲ در این نگرش هر متن به صورت یک نظام بوده و از طریق پیروی الگویی ساختاری شکل گرفته‌است و نه محتوای معنایی.^۳ پس شکل عناصر یک متن و رابطهٔ آنها بایکدیگر مهمتر از محتوای خرده ساختارها و یا معنای متن می‌باشد. البته دسته‌ای از ساختارگرایان معتقدند متن علاوه بر نظام و ساختار شکلی، دارای ساختار معنایی است چنانکه متن را پدیدار دارای پیوستگی و انسجام معنایی، تلقی می‌کنند.^۴ با این وجود، پایه گذاران اصلی ساختارگرایی به دلیل آنکه مبنای اندیشه خود را بر روی برتری شکل بر محتوا انگاشته‌اند و چندان بر پیوستگی معنای یک متن تأکید نداشته و بیشتر بر روی ساختار شکلی متن مَصْر بوده‌اند.^۵ علاوه بر سوسور و اشتراوس، رومن یاکوبسن نیز بر کل نظریه ساختارگرایی مؤثر بوده است. او شش عامل را درهرمتن یا هر مدار ارتباطهای انسانی یا دلالتهای زبانی و غیر زبانی دخیل می‌داندست: (Jakobson, 1960, 60)

- فرستنده پیام (مؤلف متن) Addresser

- گیرنده پیام (مخاطب متن) Addressee

- پیام متن Message

در هر کنش ارتباطی و یا ارتباط بینانسانی همواره درحال تولید متن هستیم. معماری، فضای شهری، تابلوی نقاشی، پوشاک، موسیقی، هر کدام به عنوان یک متن به مخاطب خاص خود (خواننده یا تأویلگر متن) ارائه می‌شوند. بنابراین به پدیده‌های اجتماعی نباید نگاهی ظاهری و گذرا داشت بلکه آنها را همچون متن باید واجد معنا و پیام تلقی نمود. مخاطب در مواجهه با هر پدیده اجتماعی، قصد برقراری ارتباط و دریافت مفهوم و یا پیام آن را داشته و به همین منظور، متن را مورد ((خوانش)) قرار می‌دهد. هر متن (مانند معماری) محصول یک فرآیند تولیدی است که از برهم‌کنش آموزه‌ها، ایده‌ها و برداشت‌های محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شدن با آن، سعی دارد پیام متن را دریافت نموده و یا با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش متن پرداخته و برای آن معنا بسازد.

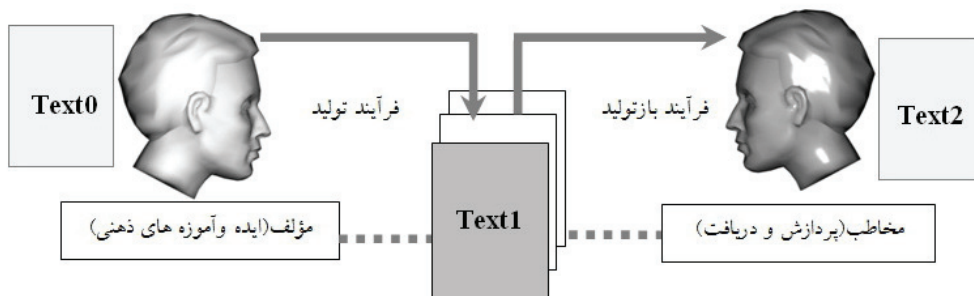
در یک تقسیم بندی کلی می‌توان از دو دیدگاه متن را مورد خوانش قرار داد:

(الف) خوانش متن از طریق دیدگاه ساختارگرا؛

(ب) خوانش متن با دیدگاه پساساختارگرا.

خوانش متن از نظر ساختارگرایی:

((ساختارگرایی)) (structuralism) یک روش جهت بررسی و خوانش پدیده‌های اجتماعی است و افرادی چون سوسور، اشتراوس، یاکوبسن در شکل‌گیری این روش مؤثر بوده‌اند. به‌طور کلی ساختارها دارای خصوصیات زیرند:
- اولاً: ساختار دارای کلیتی نظاممند است.
- ثانیاً: ساختار به صورت پویا و خودتعریف و خودتنظیم



شکل (۱) تولید و بازتولید متن

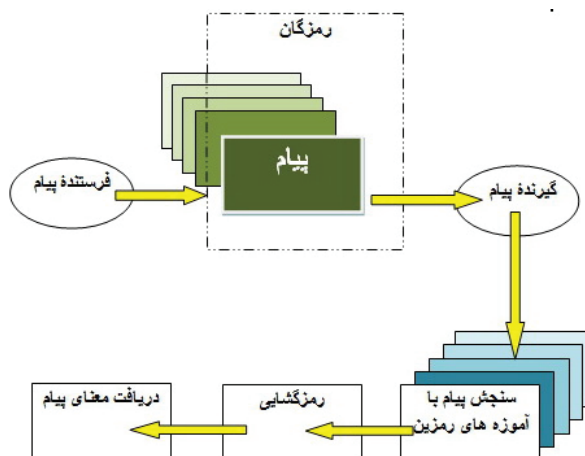
- زمینه و بستر پیام Context

- رمزگان انتقال دهنده پیام Codes

- رسانه انتقال دهنده پیام (کانال ارتباطی پیام) Contact

معمار مجموعه‌ای از پیامهای ذهنی خود را به مخاطبانش ارائه می‌دهد، گیرندگان، پیام را با توجه به بستر و پیوندهای محیطی، اجتماعی، فرهنگی طرح معماری و با عنایت و استفاده از آموزه‌های رمزین خود، رمزگشایی (decoding) می‌کند. هر متن حامل پیامی مستقل از فرستنده و گیرندهٔ آن و در برگرفتهٔ مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. این نشانه‌ها توسط مؤلف رمزگشایی شده و مخاطب آنها را با استناد به قراردادهای اجتماعی و به کمک روابط رسانه ای رمزگشایی می‌کند (Chandler, 2009, 3). (فردینان دوسوسور)) معتقد است یک نظام زیربنایی از قراردادهای و تمایزات در فرآیند دلالتی انسان وجود دارد و به دلیل روشن بودن ماهیت اختیاری و قراردادی نشانه‌های زبانی، زبان‌شناسی را الگویی برای نشانه‌شناسی در نظر می‌گیرد. او نشانه‌های غیر زبانی را نیز تابع قراردادهای اجتماعی دانسته و کلیهٔ کنشهای بین‌انسانی را در چارچوب قوانین و مناسبت‌های اجتماعی واجد اعتبار می‌داند.^۶ در خوانش ساختارگرایی هر متن، موارد ذیل لحاظ می‌شود:

۱. مخاطب، سعی در کشف روابط ناخودآگاه و موجود در زیرساخت متن دارد.
۲. جایگاه هر عنصر، نسبت به رابطه اش با سایر عناصر سنجیده می‌شود.
۳. روابط بین عناصر هر متن، سازندهٔ یک ساختار کلی



شکل ۲) عوامل مؤثر در ارتباط بین‌انسانی، مدلسازی از نگارندگان

است و نظام بنیادین متن را شکل می‌دهد.

۴. هر متن یک قانون و نظام واحد را نمایش می‌دهد.
۵. هر متن دارای رمزگانی در درون خویش است که ساختار آن به این رمزگان انسجام می‌بخشد.
۶. مخاطب روابط و قوانین درونساختی متن را کشف کرده براساس آن متن را بازخوانی می‌نماید.
۷. روابط بین عناصر متن، رمزگان متن را معتبر شناخته و به رمزگشایی متن می‌انجامد.
۸. پیام هر متن به وسیلهٔ رمزگشایی این رمزگان به مخاطبان منتقل می‌شود.
۹. نظام و ساختار متن، انسان محور و واجد قوانینی همه زمانی و همه مکانی (جهان شمول) است.
۱۰. ساختارگرایی نگاه هم‌زمانی^۷ به متن داشته و متن را به‌طور ((در زمان)) مورد خوانش قرار نمی‌دهد. یعنی به وجوه تاریخی، فرهنگی، قومی، و بومی متن کاری ندارد و تنها به دنبال قواعدی کلی است که در همه جا و همه زمان صادق باشد.

خوانش متن از دیدگاه پساساختارگرایی:

در نگرش پساساختارگرا، اندیشه‌های ساختار محور، مورد چالش قرار می‌گیرد و متن به قلمرویی جهت بازی معانی بدل می‌شود. معنا صرفاً مفهومی نیست که از ساختار اقتباس شود در نتیجه معنای متن مفهومی یکتا و قطعی نیست بلکه به‌طور نسبی بوده و متن گستره‌ای برای معناهای کثیر و شناور ایجاد می‌نماید. در این نگرش معنا، همواره مَبْشِی تأخیری و تعلیقی دارد. معنا چون چشمه ای جوشان همواره از دل متن تراوش می‌کند و امکان خوانشهای متفاوت در بستر متن فراهم می‌شود. پس پساساختارگرایان معنا را مفهومی سیال، پویا و ناپایسته دانسته که مخاطب در مواجهه با متن و در راستای جستجوی معنا، متن را بازخوانی می‌کنند و آنرا دوباره می‌نوازد و به بازی با آن می‌نشینند.^۸ در این نگرش، متن مفهومی چند لایه است که مخاطب با توجه به زمان خوانش، جایگاه اجتماعی خود، زاویه دید خود، چگونگی برخورد و دستیابی با نشانه‌های درونی، به دریافت معنا دست یافته و به بیان بهتر به معناسازی متن می‌پردازد. اندیشمندیانی چون نیچه، هایدگر، ریکور، گادامر، کریستوا، دریدا، بارت در تألیفاتشان مفاهیم متن لایه‌ای، دور هرمنوتیکی، بازی نشانه‌ها را ارائه داده‌اند. دیدگاه پساساختارگرا، هر متن را در ارتباط با

ناخودآگاه متن را بشکافیم.^{۱۰} و هیچ متنی مستقل از سایر متون وجود ندارد، هر متن تداعی کننده متون پیشین و درآمدی به سوی متون دیگر است. هر متن وسیله زنجیره‌ای از دالهای بر روی محور زمان در حرکت است. ژولیا کریستوا نیز معتقد است یک متن خود از برهم‌کنش و برآیند چند نظام نشانه‌شناختی متفاوت شکل گرفته است.^{۱۱} پس در بدو خلقت یک متن، چند متن با نظامهای متفاوت بر یکدیگر متقارب می‌شوند در نتیجه در زمان خوانش آن نیز با چند متن و به عبارتی با مفهومی میان متنی روبرو هستیم. به اعتقاد کریستوا هر متن از دو محور اصلی تشکیل شده است:

- الف) محور افقی (Horizontal Axis) محوری که مؤلف را به

سایر متون قابل شناخت و بررسی می‌شمارد و روشها و روابط میان‌متنی (intertextuality) را مطرح می‌نماید به‌طوریکه مخاطب در مواجهه با هر متن، به یک شبکه اجتماعی- فرهنگی، تاریخی برمی‌خورد. این دیدگاه پدیده‌های بین‌انسانی را به صورت میان رشته‌ای (interdisciplinary) مورد قرائت قرار می‌دهد. پسا ساختارگرایی، خودپایندگی متن را به چالش کشیده و دریافت مضامین متن را، مبتنی بر مفاهیم فرامنتی می‌داند. رولان بارت معتقد است یک متن محصول نیروهای اجتماعی- فرهنگی و تاریخی مخصوصی است که با دقت در بافتارش و رابطه آن با سایر متون می‌توان به گوهر آن دست یافت.^۹ دریدا معتقد است به منظور دستیابی به معنای متن باید

شاخصه های خوانش در تفکر ساختارگرا و پسا ساختارگرا	نگاه ساختارگرا به طرح معماری (خوانش ساختارگرا)	نگاه پسا ساختارگرا به طرح معماری (خوانش پسا ساختارگرا)
ماهیت طرح معماری	ماهیت مطلق و واحد (نیوتنی)	ماهیت نسبی و متکثر (ایشتی)
نوع نگاه به طرح معماری	نگاه پدیدارشناسیک، خوانش وضع موجود به دنبال ساخت حضوری طرح معماری	نگاه روش شناختی، توجه به فرآیند تولید و فرآیند خوانش، خوانش فرآیندی، به دنبال ساخت غیابی طرح معماری
مالکیت طرح	مؤلف (معمار محور)	مخاطب (تأویل گر محور)
ساختار و شاکله طرح	همنظیتی سکانسهای مختلف	همنظیتی لایه های متفاوت
شکل گیری طرح	خطی، ایجاد ارتباط بین عناصر طرح به صورت خطی	شبکه ای، گسترده شدن یک نقطه به صورت شبکه بی انتها
دریافت معنای طرح	وجود معنای واحد در طرح و دریافت همان معنا طرح به طور تک صدایی، وجود مدلول متعالی	وجود معنای سیال، بازی دالهای موجود در طرح و ایجاد کنش تأخیری، طرح به صورت چند آوایی
مکانیت طرح	محدود به مکان، یکتایی طرح (طرح ساختاری بسته دارد)	عدم وابستگی به مکان، طرح قابل انتشار و گسترش است (ساختار طرح باز است)
عنصر زمان در طرح	زمان به صورت لحظه ای و فیزیک شده	زمان به صورت تکاملی
موضوعیت طرح	کارکردی	بازی و بازتولید طرح به وسیله مخاطب
نگاه متن گونه به طرح	متنیت ثابت	چند متنیت، فرامتنیت، بینامتنیت

مقایسه خوانش ساختارگرا و پسا ساختارگرا در معماری

مخاطب پیوند می‌دهد.

- ب) محور عمودی (Vertical Axis) که متن را به سایر متون مربوط می‌سازد. (Kristeva, 1980, 69-70)

پس متن، ضمن آنکه از بافتن لایه‌های متعدد معنایی تشکیل شده خود نیز از طریق روابط بینامتنی در یک بافتار معنایی جای دارد.^{۱۲} هر متن ضمن دارا بودن روابط ((درون بافتی)) به صورت ((برون بافتی)) با سایر متون در ارتباط بوده و یک بافتار را به وجود می‌آورد. بنابراین هیچ مرزی در آن وجود نداشته و بسان گره (node) کوچک از یک شبکه (بافتار) عظیم است.^{۱۳} به عبارت دیگر، مخاطب به جای یک متن، با مفهومی ((چندمتنی)) روبرو می‌گردد. ((برداشت‌های متعدد و با نگاهی بینامتنی و منتقدانه نسبت به یک متن، مفهوم "چندمتنی" را به وجود می‌آورد.))^{۱۴} عبارت "چندمتنی" به کلیه روابط آشکار و پنهان بین یک متن با سایر متون اطلاق می‌شود.^{۱۵} در نگرش ساختارگرا متن به عنوان جزئی از بافت انگاشته می‌شود به طوری که بافت جایگاهی کلان داشته و متن عضوی از مجموعه آن تلقی می‌شود در نتیجه متن به عنوان کانون معنا بوده و بافت به صورت بستر و زمینه برای خوانش متن مطرح است. اما در نگاه پسا ساختارگرا، ماهیت متن در وجود بافت تحقق یافته و بافت به طور مستمر متن را می‌آفریند. یعنی بافت ساختاریست که از چندین متن شکل یافته و معنا و مفهوم هر متن با توجه به جایگاه آن در بافت و رابطه آن با سایر متن‌ها قابل دریافت است. به طور کلی متن و بافت در یک بستر معنایی می‌زیند، برهم تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند یعنی متن شالوده بافت بوده و بافت گسترش یافته متن است. به عبارت دیگر متن به دلیل خاصیت لایه‌ای بودنش خود یک بافتار بوده و بافت به دلیل انسجامش خود یک متن است. یعنی متن و بافت دارای یک هویت هستند. خصوصیات زیر را در مورد رابطه بین متن و بافت در نظر گرفته می‌شود:^{۱۶}

- الف) متن یک ساختار چند وجهی دارد. یک متن از همبافتگی ((اندیشه ها و تصورات و خیالها))، ((عناصر صوری و از جنس متن)) و ((روابط بین‌انسانی))^{۱۷} تشکیل شده است. این خصوصیت به صورت مشترک هم درون متن بوده و هم مربوط به گُنشها و روابط درونبافتی می‌باشند.

- ب) هر متن، با توجه به جایگاه خود در بافتار پیرامونش معنا می‌یابد. زمینه شکل‌گیری و بستر بافت.^{۱۸} فحوا و صدای درون بافت،^{۱۹} سبک و خصیصه ظاهری بافت.^{۲۰} و حتی

آرمانها و ایده آلهای بافت، تأویل و معنا سازی متن را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

- ج) هر متن به دلیل وجود روابط بینامتنی با سایر متون بافت در ارتباط بوده و فرآیند معنا سازی متن نیز از همین طریق صورت می‌پذیرد. پس هر گونه استنباط و برداشت از یک متن، با توجه به رابطه آن با سایر متون بافت، میسر می‌شود.

- د) روابط برون متنی و درونبافتی، موجب ارتباط معناشناختی درون یک بافتار است. تمام ارکان یک بافت درون مجموعه‌ای واحد خدمت می‌کنند و هدفشان انتقال مفاهیم درون بافتار است.

متن‌گونی در معماری

معماری همواره مانند هر وسیله ارتباط جمعی بسان یک متن انگاشته شده که مخاطبان به دنبال خوانش و برقراری ارتباط با آن هستند. با توجه به نحوه نگرش تأویلگر، برداشت‌های متفاوتی از طرح معماری به دست می‌آید. برداشت‌های کلاسیک به دنبال مدلول متعالی برای هر متن بوده و مخاطب را در مسیر کشف معنا می‌پندارند. در نگرش ساختارگرا، طرح معماری مانند زبان از همنشینی اجزای مختلف شکل گرفته و عناصر طرح مانند کلمات ضمن داشتن ارزشها و نقشهای جداگانه، یک مفهوم کلی را به مخاطب انتقال داده و مخاطب به دنبال کشف آن مضامین است. درحالی که در نگرش پسا ساختارگرا، تأویلگر با غور در لایه‌های متعدد طرح، و دریافت روابط متن‌گونه طرح، به معنا سازی برای آن می‌پردازد.^{۲۱} در ابتدا مخاطب با توجه به لایه ابتدایی طرح و با استناد به دریافت نشانه‌های حسی آن، با متن طرح ارتباط برقرار می‌کند. سپس از طریق روابط نظام‌دهنده، ساختار طرح را مورد استنتاج قرار داده و به نمایه‌پردازی طرح می‌رسد. در نهایت مخاطب از طریق دریافت‌های اجتماعی و فرهنگی و الگوها و پیوندهای محیطی به دنبال تأویل و معنا سازی متن طرح است.^{۲۲} به بیان دیگر، در برداشت ساختارگرا، مخاطب به دنبال کشف معنای اصیل متن بوده درحالی که در نگرش پسا ساختارگرا تأویلگر، معتقد به معنای سیال و معنا سازی متن است. در جدول زیر طرح معماری در دیدگاه ساختارگرا و پسا ساختارگرا را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم.^{۲۳}

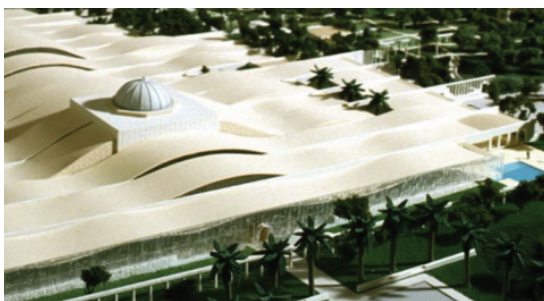
چنانچه "آفرینش حقیقت متن به وسیله مخاطب"^{۲۴} توسط نیچه و "دور هرمنوتیک و طرح اندازی مخاطب"^{۲۵} توسط هایدگر و "برداشت دموکراتیک و به اشتراک گذاشتن تجربه‌های

محیطی، شهری و به‌طور کلی بناهای اطراف و در برگزیدهٔ طرح نیست. بلکه منظور از بافت یک طرح معماری، شبکه‌ای است که به صورت ملموس (مانند بافت شهری و پیرامونش) و یا ناملموس (شبکهٔ اجتماعی - فرهنگی و فرامتنی) امکان خوانش طرح مورد نظر ما را فراهم می‌آورد. منظور از بافت یک طرح معماری لایه‌های درون متنی و یا فرامتنی و بینامتنی یک طرح و رابطه‌ای است که طرح مورد نظر با طرحهای مقدم بر خود و یا اندیشه‌های شکل دهنده آن برقرار می‌نماید. به‌طور کلی به دلیل قرابت معنایی مفهوم متن و بافت، در مواجهه با هر طرح معماری با یک مفهوم



www.tschumi.com/projects/delavilleparc

تصویر ۲) پارک لاویل: چومی



<http://siteenviroidesign.com/projects/qatar>

تصویر ۳) موزه هنر اسلامی قطر: گروه سایت

مخاطبان برای فهم متن^{۲۶} توسط گادامر و "برآیند فهم متن و میانجی بین جهان متن و جهان مخاطب" توسط ریکور در راستای معنای سیال و معنا سازی مخاطب شکل گرفته‌اند. دریدا نیز معتقد به معنای سیال و تأخیری است. او گراماتولوژی^{۲۷} را به عنوان علم متنیت^{۲۸} مطرح می‌نماید که نشانه را دگرگون کرده و از بیانگری ذاتیش دور می‌نماید. ((گراماتولوژی دریدا)) یک ((نشانه‌شناسی ناپیانگر)) و صرفاً مبتنی بر، دلالتگری و بازیگری نشانه‌هاست. یعنی هیچ نشانه‌ای نمی‌تواند در یک متن حاضر باشد مگر با اشاره به نشانه‌ای دیگر، در نتیجه هر نشانه براساس یک رد پا^{۲۹} به نشانه دیگر متصل می‌شود و به طور زنجیره‌وار و از درهم‌تنیدگی نشانه‌ها، یک بافتار، از طریق دگرگونی متن اولیه، به وجود می‌آید. دریدا این شبکه را ((گرام)) نامید.^{۳۰} "آیزمن" نگاه متن‌گونه به معماری و توجه به ایجاد روابط بینامتنی در گراماتولوژی دریدا را، در مرکز فرهنگی "وکسنر" مطرح کرد. لایه‌های تاریخی، ساختمانهای موجود، طرح جدید، فضاهای بینابین، بینامتنیت در معماری را ایجاد می‌کنند.^{۳۱} در این طرح، معماری مانند یک متن واسطه، شبکه‌ای از معانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^{۳۲} ویا "چومی" در "پارک لاویل" متنی چندلایه و چندصدا را از طریق ترکیب "فولیه‌ها" با ساختمانهای موجود ایجاد کرد. "گروه سایت"^{۳۳} نیز زبان معماری خود را به صورت چندمتنی و مرکب از سیستمهای ارتباطی، علوم طبیعی، محیط زیست و انرژی، اطلاعات اجتماعی معرفی می‌کنند.^{۳۴} به‌طور کلی انتقال و دریافت مفاهیم هر طرح معماری با توجه به بافتار آن میسر است. منظور از بافتار طرح معماری لزوماً بافت



<http://archinect.com/eisenman-s-wexner-center>

تصویر ۱) مرکز فرهنگی وکسنر: آیزمن

انواع رابطه چندمتنی در معماری: (روابط درون‌متنی و فرامتنی در طرح معماری)

می‌توان روابط چندمتنی زیر را برای هر طرح معماری متصور شد:

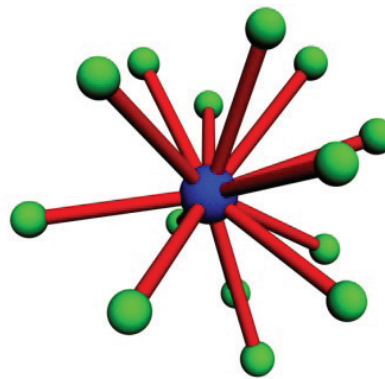
الف) رابطهٔ میان متنی در درون هر طرح (Intertextuality): هر طرح معماری یک مفهوم چندوجهی و چندمتنی است. هیچ طرحی ابتدا به ساکن وجود نداشته و اقتباسی از طرحهای پیشین است چرا که معماری یک پدیدهٔ تألیفی بوده و معمار به عنوان مؤلف با نگاه تلمیحی، به طرحهای دیگر اشاره داشته و طرح جدید، تألیفی از طرحهای پیشین است. (مانند: اشاره ویلا ساوا به پارتنون)

ب) روابط پیرامنتی در پیرامون هر طرح (Paratextuality): (رابطهٔ متن با متنهای پیرامونش): ارتباطی که یک طرح معماری به‌طور شکلی با ساختمانها و طرحهای مجاورش

متن گردان (Transtextuality) مواجه هستیم. با توجه به مراتب مطرح شده، هنگامی که یک طرح جدید معماری خلق می‌شود عملاً یک گره جدید در دل بافتار اندیشهٔ طراحی معماری به وجود می‌آید. این گره با گره‌ها و متنهای از پیش موجود و حتی آینده خود رابطه‌ای هم‌جنس (رابطهٔ یک طرح با طرحهای معماری) و با متنها و اندیشه‌ها و ایده‌های غیر معماری ارتباطی غیر از جنس معماری دارد. (مانند رابطه ای که یک طرح معماری با مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی برقرار می‌کند). یعنی همانند یک متن ادبی، یک طرح معماری به‌طور یک "متن گردان" عمل نموده و دارای روابط "میان‌متنی"، "پیرامنتی"، "سرمتن"، "فرامتنی" و "پی‌متنی" می‌باشد که در ادامه به تبیین آنها در زمینهٔ معماری می‌پردازیم.^{۳۵}



www.lasescapadas.com/fondos/fondo/el-partenon



شکل ۳) رابطه هر متن با متون دیگر



www.coolboom.net/architecture/the-classics-villa-savoye

تصویر ۴ (۵) تاثیر ویلا ساوا از پارتنون



www.coolboom.net/architecture/the-classics-villa-savoye

تصویر ۴ (۵) تاثیر ویلا ساوا از پارتنون



زایش کنسولگری انگلیس در دهلی نو
www.charlescorrea.net



زایش کنسولگری انگلیس در دهلی نو
www.charlescorrea.net



هماهنگی، روستای گرناای جدید با محیط
www.hassanfathy.webs.comgourna-e.htm



هماهنگی، روستای گرناای جدید با محیط
www.hassanfathy.webs.comgourna-e.htm



تصویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲) دفتر فرح دیبا، فرهنگسرای نیاوران، موزه هنرهای
معاصر طراح: کامران دیبا
www.kamrandiba.com/index.php



تضاد موزه Kunsthaus-Graz با بافتار پیرامونش
www.schwarzaufweiss.de/oesterreich/graz-reisefuehrer
تصاویر ۸، ۹، ۷) زایش، هماهنگی، تضاد با بافت

برقرار می‌نماید ارتباط پیرامنتی است. (مانند: رابطهٔ ساختمان ژرژمپیدو با بناهای مجاورش)

ج) رابطهٔ کالبدی بافت با متن مورد خوانش (Architextuality): رابطهٔ کالبدی بافت با متن: هر طرح جدید وقتی خلق می‌گردد می‌تواند به سه روش ((هماهنگی، تضاد، زایش)) با بافتار محیطی و یا سایر متون موجود رابطه برقرار نماید.^{۳۶}

د) روابط فرامنتی هر طرح در ارتباط با بافتار (Metatextuality): خوانش هر طرح جدید از طریق ارتباط آن به‌طور صریح و یا ضمنی با سایر طرحهای موجود در بافت شهری و یا خارج از آن بافتار میسر است. به عبارت دیگر زمانی که طرح جدید را مورد قرائت قرار می‌دهیم، عملاً به ارتباط آن طرح با سایر طرحهای موجود در بافت و حتی به ارتباط شکلی و ماهیتی آن با طرحهای فراتر از بافت مورد خوانش، دقت نظر داریم.

ه) روابط پی‌متنی در بافتار هر طرح: (Hypertextuality): امکان دارد طرحهای جدیدی و مشابه با طرح ما در بافتار شهری وجود داشته باشند و عملاً طرح جدید ما پاسخی دوباره به بافت باشد و در پی طرحهای جدید دیگر به بافت پیوسته باشد. در نتیجه طرح مذکور در پی طرحهایی دیگر با بافت به گفتگو خواهد نشست.^{۳۷}



تصویر ۱۵) مسجد دانشگاه تربیت مدرس، بازتابنده عناصر معماری اسلامی

www.khomool.ir/khomool_contentmediaimage

www.greatbuildings.com/buildings/Rokko_Housing_One.html

تصویر ۱۴ و ۱۳) مجتمع مسکونی روکو (۲ و ۳ با تأخیر زمانی در کنار هم با بافت گفتگو دارند (Ando, 2000, 80-81)

طرح معماری می‌تواند مانند یک نقل قول مستقیم به طرح دیگر اشاره نماید و به قسمتی و یا تمامی شکل و یا فضای طرح مقدم بر خود اشاره نماید. (مانند اشاره مستقیم موزه هنری معاصر تهران به کارهای جوزف لی سرت)

د) **خصوصیت استعاری و به‌طور کلی اشاره‌های غیرمستقیم و با استفاده از ترفندهای بلاغی (Rhetoric)** طرح معماری امکان دارد به‌طور ضمنی و با استفاده از تشبیه، استعاره و مجاز به پدیده‌ای اجتماعی، هنری، فرهنگی اشاره نماید. (مانند کارهای استعاری کالاتراوا)

ه) **ناکرانمندی ساختاری (structural unboundedness)** یک طرح با توجه به بازی‌نشانه‌ها و اشارات متعدد از لایه‌ای به لایه دیگر رجوع کرده و به طرح‌ها و ایده و اندیشه‌های دیگر اشاره می‌کند و عملاً در شبکه‌ای گسترده و ناکرانمند جای دارد. (مانند مدل‌های ضمنی که از طرح والت دیسنی فرانک‌گری استخراج می‌شوند.)

ز) **زاویه دید مخاطب یا تأویلگر (Point of view for Reading):**

خصوصیات چندمتنی در معماری

به‌طور کلی هر طرح معماری به عنوان یک متن جدید وقتی به کتاب جهان معماری اضافه می‌شود و یا از آن انتخاب شده و مورد خوانش قرار می‌گیرد خصوصیات چند متنی زیر را دارا است: (شبکه‌ای از لایه‌های متعدد معماری و فرامعماری در خوانش یک طرح وجود دارد و طرح مورد نظر به عنوان یک نقطه از شبکه مذکور بوده و با سایر نقاط ولایه‌ها روابط یاد شده را برقرار می‌نماید.) این روابط دارای خصوصیات زیر هستند: ^{۳۸}

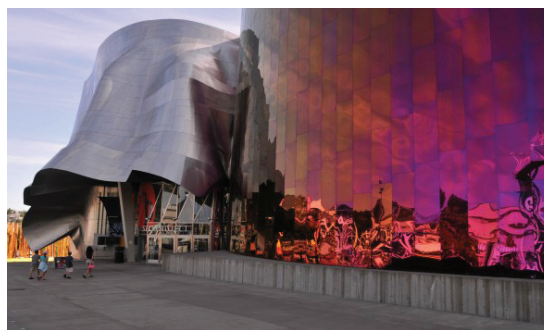
الف) خصوصیت بازتاب (Reflexivity): یک طرح معماری می‌تواند با روشی جدید بازتابنده طرحی دیگر و یا عناصر موجود در طرح‌هایی دیگر باشد. (مانند مسجد دانشگاه تربیت مدرس که بازتاباننده عناصر معماری اسلامی است.)

ب) خصوصیت دگرگونی (Alteration): ارائه طرحی جدید متفاوت با راه‌حلهایی که طرح‌های مشابه تا امروز ارائه داده اند. (مانند طرح‌های خلاق فرانک‌گری)

ج) خصوصیت صراحت و اشاره مستقیم (Explicitness): یک



www.kamrandiba/architecture.com



www.ArchitectureWeek.com

تصویر ۱۹ و ۱۸) نقل قول مستقیم موزه تهران از پروژه Fundació Joan Miró در بارسلون،

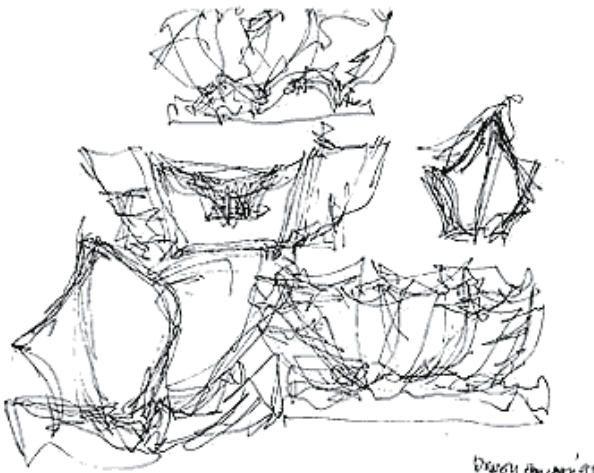
طراح: Josep Lluís Sert 1969-1975



www.studio360.org/2011/jul/29/absurd-architecture-your-neighborhood

تصویر ۱۷ و ۱۶) پروژه سالن موسیقی سیاتل، طراح: فرانک گری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، راه حل جدید طراح در تولید فرم

زاویهٔ دید مخاطب با توجه به پیش زمینهٔ ذهنی، جایگاه اجتماعی و نحوهٔ دید او به شبکهٔ مطرح شده بسیار تعیین کننده است به طوری که دریافت مخاطب نقطهٔ ابتدایی ناکارآمدی شبکه و بازی دالهای درون شبکه را شکل می‌دهد. (مانند نگرشهای متفاوتی که می‌توان به پروژهٔ برج لندن نرم فاستر داشت.) در نتیجه در نگرش پسا ساختارگرا متن یک ماهیت چند رسانه‌ای دارد و به طور اخص معماری صرفاً با حجم، شکل، کارکرد، فرم، سطوح فعالیت، سرو کار ندارد بلکه به دلیل موجودیت چندرسانگی خود، با لایه‌های دیگر اجتماعی مانند فرهنگ، تاریخ، مسائل اقتصادی و سیاسی او بی‌مانند تمثیل، استعاره، کنایه ارتباط میان متنی داشته و شبکه‌ای بیکران از متن‌ها را با خود مرتبط می‌سازد.



www.kamrandiba/architecture.com

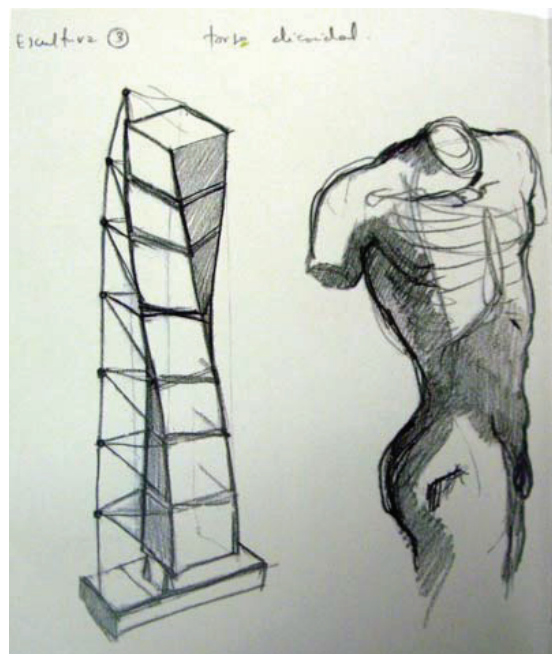


www.arcspace.com/architects/gehry/disney2

تصویر ۲۳ و ۲۲) سالن کنسرت هال والت دیسنی، لوس آنجلس ۲۰۰۳-۱۹۸۷، در بردارندهٔ لایه‌های متعدد معنا



www.archgraphics.pbworks.com/f/Hallgren



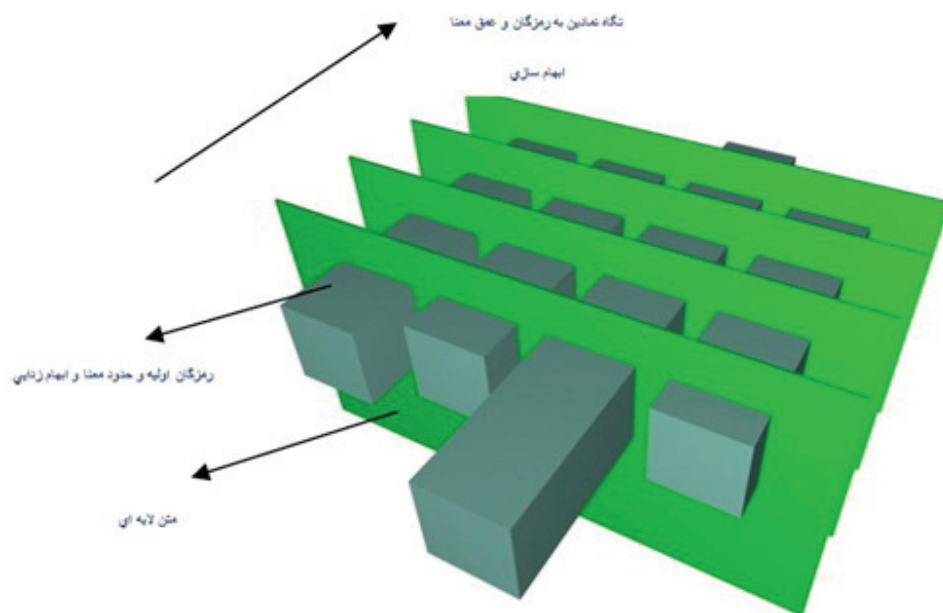
www.timgarratnottingham.co.uk

تصویر ۲۱ و ۲۰) برج مالمو در سوئد، ۲۰۰۱-۲۰۰۵ استعاره از چرخش بدن انسان

نتیجه‌گیری:

معماری دارای دو جنبه کارکردی و نمادین است. ماهیت کارکردی معماری، به دنبال پاسخگویی به نیاز انسان به معماری بوده و جنبهٔ نمادین معماری، مخاطب را به نشانه‌سازی دعوت می‌کند. به عنوان مثال غار برای انسان اولیه در ابتدا به سرپناه و مکانی برای زیست، دلالتی مستقیم داشته و در ساحت نمادین خود به مفاهیمی چون: امنیت، گروه، خانواده، تصاویر آشنا؛ اشاره می‌نماید. جنبه نمادین معماری، به دنبال دلالتگری و معناسازیست. نگرش ساختارگرا، معنای هر طرح را واحد و مشخص انگاشته و مخاطب را به کشف معنای موردنظر مؤلف و مورد پذیرش جامعه فرامی‌خواند. خوانش پس‌ساختارگرا، معماری را مانند یک نوشتار دربردارندهٔ معانی درونی و ضمنی

و اندیشه‌های فرامتنی دانسته به طوریکه مخاطب با طرحی متن‌گون مواجه شده و به معناسازی و نشانه‌سازی برای آن می‌پردازد. بدین ترتیب مخاطب نه با متنی واحد، بلکه با پدیده‌ای چندمتنی مواجه شده و نشانه‌های موجود در متن، مخاطب را به ژرفای متن و لایه‌های زیرین و پنهان متن دعوت می‌نماید. در مواجهه با هر طرح معماری، مخاطب به عنوان تأویلگر، باعنایت به ناکرانمندی ساختار طرح و از طریق بازی نشانه‌های موجود در متن طرح، به لایه‌های متعدد متن رجوع می‌کند و با اتکا به خصوصیات و اشارات مستقیم طرح و توجه به دلالت‌های غیرمستقیم و ترفندهای بلاغی و تلمیحات استعاری و کنایی و عنایت به خصوصیت بازتاب و دگرگونی و تداعی‌گری طرح را مورد خوانش قرار می‌دهد.



شکل ۴) دستیابی به ژرفای متن و لایه‌های زیرین و پنهان متن در سفر نشاندگی مخاطب به عمق متن

پی‌نوشت‌ها

۲۶. ر.ج به: (گادامیر، ۱۳۸۶، ۸۶)
27. (grammatologie)
28. (textuality)
29. (trace)
۳۰. گرام به عنوان (یک ساختار نوین عدم حضور)) در نشانه‌شناسی دریدا معرفی شده دریدا این شبکه را براساس بازی نظام‌مند نشانه‌ها و تمایز و تعویق آنها و نه تضاد میان حضور و غیاب آنها (یا تقابلهای دوتایی) متصور شد. در گرام مَدَنظر دریدا، نشانه، تمایز نشانه‌ها، رد پای متصل کننده هر نشانه به نشانه دیگر، بازی نشانه‌ها و عنصر زمان (تأخیر زمانی) و نظام شبکه‌ای مشهود است.
۳۱. ر.ج به: (ساجو، ۱۳۸۶، ۵۰)
۳۲. ر.ج به: "Peter Eisenman's Realist Architecture" By Hans Morgenthaler
در: <http://prelectur.stanford.edu/lecturers/eisenman/morgen.html>
33. SCULPTURE IN THE ENVIRONMENT (s-i-t-e)
<http://www.s-i-t-e.org/index2.htm> ر.ج به: ۳۴
۳۵. از نظر ژنت هر متن به عنوان یک "متن گردان" عمل کرده و به منظور ارائه معنا با سایر متون دارای روابط زیر است:
- میان متنی، پیرامنتی، سرمتمن، فرامنتی، بی متنی ر.ج به: (Genette, 1997, 25)
۳۶. به نظر نگارنده برخورد میان یک طرح با بافتار محیطیش به سه روش صورت می‌پذیرد:
- بین طرح و بافت. طرح جدید در بافت محیطی حل شده و به عنوان (Synchronic) (الف) هماهنگی کامل متن با بافت پیرامونش با نگاه جزئی از ساختار بافت مقدم بر خودش قلمداد می‌شود. طرح معماری از نظر فرم، شکل، حجم، تناسبات و ابعاد... کاملاً پیرو بافت بوده و از نظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جامعه شناختی و... پاسخی جدید برای محیط پیرامونش ندارد. (مانند: طرحهای حسن فتحی)
- (ب) تضاد بین طرح با بافتار پیرامونی: طرح جدید مانند نگینی رنگین بر روی انگشتری، سعی دارد هم خود را به عنوان شخصیتی جدید و مستقل معرفی نموده و هم ارزشهای بافتارش را بهتر بازگو نماید. (مانند روش برخورد فرانک گری) (diachronic)
- (ج) زایش متن از دل بافت با بیانی نوین و با نگاه در زمانی صورت می‌پذیرد. طرح جدید ضمن آنکه در ساختار بافت خود قرار می‌گیرد (و به عنوان عضوی از ساختار موجود شده و از آن عدول نمی‌کند)، تقدم بافتار و تأخر خویش را بر مخاطب، انتقال می‌دهد. به‌طوریکه تمایز بین طرح معماری و بافت از نظر زمانی (تغییر فرهنگ، مسائل اجتماعی، امور جهانی و...) کاملاً درک می‌شود. (یکی از طرحهای نادانو آندو)
- البته نگارنده به دلیل نگاه زبانشناسیک و نشانه‌شناسیک سه روش فوق را به صورت متمایز در برخورد طرح جدید معماری با بافتار شهری معرفی می‌کند. در این موضوع روشها و تقسیم بندیهای مختلفی وجود دارد از جمله (ر.ج به (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴، ۱۷۲، ۱۷۳)) که طرح جدید را به چهار صورت زیر با بافت محیطیش مرتبط می‌نماید:
- (۱) نوگرایانه: (تخریب بافت و ایجاد بافت و طرح جدید)
(۲) فرهنگ گرایانه حفظ ارزش بافت بدون هیچگونه دخل و تصرف در بافت
(۳) فرانوگرایانه: (حفظ تار و پود کهن و دگرگونی کالبد فضای شهری با بیانی نو)
(۴) مردم گرایانه: (برنامه ریزی با استفاده از مشارکت مردم به صورت ریشه در گذشته و نگاه به آینده)
- ۳۷- برای شناخت روابط میان متن و بافت ر.ج به: (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۹-۱۷۷)
(چندلر، ۱۳۸۷، ۲۹۶)، (Genette, 1997, 25)
- ۳۸- ۳۸- جهت مطالعه روابط چندمتنی ر.ج به: (Chandler, 2009, part 13, p13)
۱. ر.ج به: (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۱۵)
۲. ر.ج به: (احمدی ۱۳۸۰ الف، ۱۸۷)
۳. ر.ج به: (احمدی ۱۳۸۰ ب، ۱۵)
۴. ر.ج به: (سجودی ۱۳۸۷، ۱۱۲-۱۱۱)
۵. اندیشه‌های سوسور و اشتراوس بر مبنای برتری صورت بر شکل بوده که ریشه این موضوع را می‌توان در ((ارگانون)) (کتابمنطق ارسطو) جستجو کرد. در کتاب دیگر ارسطو پوتیتیک (فن شعر) و رتوریک (فن خطابه) نیز به صورت یک تحلیل ساختاری مطرح هستند برای مطالعه بیشتر ر.ج به: ارسطو ۱۳۷۸، منطق ارسطو، ارگانون، برگردان م.ش ادیب سلطانی، تهران. ارسطو ۱۳۵۳، فن شعر، برگردان ع. زرین کوب، تهران. ارسطو ۱۳۷۱، فن خطابه، برگردان پ. ملکی، تهران.
۶. ر.ج به: (کالر، ۱۳۸۶، ۱۰۷) (Culler, 2001, 68)
۷. Synchronic analysis- تحلیل همزمانی؛
تحلیل همزمان یک پدیده را در لحظه ای خاص از زمان مورد بررسی قرار می‌دهد و در واقع زمان را به صورت منجمد شده و یا ثابت فرض کرده و به مناسبات (در زمانی) آن یعنی تغییرات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که در طول زمان خوانش پدیده را تحت تأثیر خود قرار داده، بی توجه است. این روش مورد استفاده ساختارگرایان می‌باشد.
۸. play هم به معنای بازی کردن و هم به معنای نواختن به کار می‌رود.
۹. ر.ج به: (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۴)
۱۰. ر.ج به: (ضمیران، ۱۳۷۷، ۳۹۵)
۱۱. ر.ج به (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۵)
۱۲. همانگونه که Text که واژه از ریشه لاتین Textum به معنای تارو پود یک بافته گرفته شده و ریشه اساطیری آن به اسطوره آرکنه در یونان باستان بازمی‌گردد که شهرت در بافندگی داشته و در مبارزه‌ای با آتنا الهه فرزاندگی، بدیهای ایزدان یونان را بر پرده‌ای می‌بافد و آتنا او را به عنکبوتی بدل کرده که تا ابد تارهایش را به گرد خویش بتند. ر.ج به: (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۷۷-۱۷۸)
۱۳. ر.ج به (Foucault, 1974,23)
۱۴. ر.ج به: <http://en.wikipedia.org/wiki/Metatextuality>
۱۵. ر.ج به: مقاله بینامتنیت در نمایشنامه های سه ایزودی از تینا هانسن: Intertextuality in the scream trilogy
<http://www.scribd.com/doc/Intertextuality-in-the-Scream-Trilogy>
۱۶. ر.ج به: (Halliday & Hasan, 1989, 48-49)
17. interpersonal
18. (The configuration of Field)
19. (Tenor)
20. (Mode Features)
۲۱. ر.ج به: (دیباغ و مختابادامرنی، ۱۳۹۰، ۶۳)
۲۲. ر.ج به: (پناهی و مختابادامرنی و نوابخش، ۱۳۸۷، ۱۵)
۲۳. رولان بارت در مقاله از اثر تا متن (۱۹۷۷) نگاه ساختارگرا به پدیده‌های اجتماعی را اثر می‌نامند و نگاه پساساختارگرا به پدیده‌های اجتماعی را متن گونه می‌پندارد. نگارنده در جدول یاد شده اولاً، اندیشه بارت را بسط می‌دهد ثانیاً: اثر را در برابر متن قرار نمی‌دهد بلکه متن (طرح معماری) را با دو دیدگاه ساختارگرا و پساساختارگرا مورد خوانش قرار می‌دهد. ثالثاً: این قیاس را به‌طور اخص در مورد طرح معماری عنوان می‌دارد. برای تعمیق موضوع ر.ج به: (Barthes, 1977, 155-165)
۲۴. ر.ج به: (نیچه، ۱۳۸۶، ۳۰)
۲۵. ر.ج به: (احمدی، ۱۳۸۰، ۹۴)

منابع

- ۱۳۸۷، ((بررسی و تحلیل نقش سینما در انتقاد از شهرسازی))،
مجله علمی-پژوهشی هویت شهر شماره ۲، ص ۱۳-۲۴، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
- احمدی، بابک، ۱۳۸۰ الف، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران.
احمدی، بابک، ۱۳۸۰ ب، ساختار و هرمنوتیک، گام نو، تهران.
پناهی و مختابادامرنی و نوابخش، سیامک و سیدمصطفی و مهرداد،

ضمیران، محمد ۱۳۸۲، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، نشر قصه تهران.
 ضمیران، محمد، ۱۳۷۷، جستارهای پدیدار شناسانه دربارهٔ هنر و زیبایی، انتشارات کانون، چاپ اول، تهران.
 کالر، جانانان ۱۳۸۶، فردینان دو سوسور، ترجمه کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران.
 گادامر، هانس گئورگ، ۱۳۸۶، گزینه جستارها هرمنوتیک مدرن [مقاله همگانیت مسأله هرمنوتیک] ص ۸۵-۱۰۸ ترجمه: بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران، نشر مرکز.
 نیچه، فریدریش، ۱۳۸۶، گزینه جستارها هرمنوتیک مدرن [قطعه‌هایی دربارهٔ تأویل] ص ۲۹-۵۴ ترجمه: بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران، نشر مرکز.

چندلر، دانیل، ۱۳۸۷، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزهٔ هنری)، تهران
 حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴، سید محسن و ملیحه، (مرمت شهری)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 دباغ و مختاباد امرئی، امیرمسعود و سیدمصطفی، ۱۳۹۰، (تأویل معماری پسامدرن از منظر نشانه‌شناسی)، مجلهٔ علمی-پژوهشی هویت شهر شمارهٔ ۹، ص ۵۹-۷۲، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
 ساجو، آنتونینو ۱۳۸۶، پیتر آیزنمن کنکاش در آینده، ترجمه احمد حسامی، مؤسسهٔ فرهنگی و پژوهشی چاپ و نشر نظر، تهران
 سجودی، فرزاد ۱۳۸۷، نشانه‌شناسی کاربردی، ویرایش دوم، نشر علم، تهران

Barthes, Roland, 1977, Image-Text, Fontatana, London
 Chandler, Daniel, 2009, semiotics: The Basics, Routledge. London.
 Culler, Jonathan, (2001), pursuit in signs, Routledge, London.

Foucault, Michel, 1974, The Archeology of knowledge Tavistock, London
 Genette, Gerard, 1997, Paratexts – Thresholds of Interpretation, Cambridge University Press, England
 Halliday, M.A.K & Hasan, Ruqaiya, 1989: "Language, context, and text: aspects of language in a social- semiotic perspective" oxford university press London.
 Jakobson, Roman, 1960, closing statement, Linguistics and poetics. Trans, Tomans Sebeok, Cambidg, MA: MIT press.
 kristeva, Julia, Desre language: A semiotic Approach to literature and Art (new York,; Columbia university press 1980
www.archgraphics.pbworks.com/f/Hallgren
www.architectureweek.com
<http://archinect.com/eisenman-s-wexner-center>
www.arcspace.com/architects/gehry/disney2

www.charlescorrea.net
www.coolboom.net/architecture/the-classics-villa-sa-voye
<http://en.wikipedia.org/wiki/Metatextuality>
www.greatbuildings.com/buildings/Rokko_Housing_One.html
www.hassanfathy.webs.com/gourna-e.htm
www.hormonsuzfikirler.org/tag/georges-pompidou
www.khomool.ir/khomool_contentmediaimage
www.kamrandiba.com/index.php
www.lasescapadas.com/fondos/fondo/el-partenon
<http://prelectur.stanford.edu/lecturers/eisenman/morgen.html>
www.schwarzaufweiss.de/oesterreich/graz-reisefuehrer
<http://www.scribd.com/doc/Intertextuality-in-the-Scream-Trilogy>
<http://www.s-i-t-e.org/index2.htm>
<http://siteenviroidesign.com/projects/quatar>
www.studio360.org/2011/jul/29/absurd-architecture-your-neighborhood
www.timgarratnottingham.co.uk
www.tschumi.com/projects/delavilletparc